تعبیر به حق بودن قرائات در کلمات چهار نفر از علماء شیعه

صفحه چهار و پنج و شش بودیم. برای اینکه زمینه تحقیقی را خدمت شما عرض کنم...؛ اگر در تعطیلی ها فرصتی شد که پی جویی کنید...؛ اول اینکه دیروز یکی از آقایان یک عبارتی از تبیان شیخ پیدا کردند که بر عبارت احکام القرآن جصاص که اضافه کرده بودند. او تنها گفته بود که سه جور است که اختلاف تلاوت مانعی ندارد. اما مرحوم شیخ اضافه کرده بودند «و کله صواب و کله حق». من عرض کردم این عبارت با آن عبارت یکی نیست و اختصاصی شیخ الطائفه است. گفتم ببینید در جای دیگر هست یا نه. من از این پی جویی ها خیلی خوشحال میشوم و اصلاً قابلش نیستم. ایشان در التفسیر البسیط کلمه «کله صواب و کله حق» را آورده‌اند. ایشان معاصر شیخ است و بلکه شش- هفت سال بعد از شیخ وفات کرده‌اند. وفات مرحوم شیخ ۴۶۰ است و ایشان ۴۶۷ است. تفسیر البسیط ایشان هم مفصل است. ولی ایشان در بغداد نبوده اند. در نیشابور بوده. ولی وقتی عبارت تفسیر البسیط را میبینید درست است که «کله حق و کله صواب» دارد اما ریخت عبارت او اصلاً ریخت عبارت تبیان نیست. یعنی اینطور نیست که بگوییم مرحوم شیخ ناظر به او بوده‌اند. مخصوصاً کسی که اصلاً در بغداد نبوده است. علاوه که با اینکه شیخ زودتر از او وفات کرده‌اند بگوییم تفسیر او را دیده‌اند. معاصری که از نظر سنی دیرتر از شیخ وفات کند بعید نیست که او از تفسیر تبیان استفاده کرده باشد. مانعی ندارد. چون چندین سال بعد از او بوده است. اینها را اضافه کرده باشد. ممکن است.

علی ای حال خیلی خوب است که این تعبیر در آن زمان پیدا شد. به برکت این پی جویی شما مطلبی بود که من به آن رسیدم و در صفحه کتاب اضافه کردم. ما از علماء شیعه شیخ و طبرسی را آوردیم و گفتیم آنها میگویند «اختلاف تلاوت» اصلاً اختلاف نیست. بلکه برعکس است. اختلافی است که تلائم و حسن است و کله صواب است. این را هم شیخ فرمودند و هم فرمودند. در دنباله همین دو مفسر از شیعه قبل از قرن یازدهم را پیدا کردم که آنها هم همین را گفته‌اند که اختلاف وجوه قرائات «کله حق و کله صواب». یکی از آنها جناب ابوالفتوح رازی است. ایشان هم ذیل همین آیه همین حرف را مطرح کرده‌اند. خود ابوالفتوح معاصر طبرسی است. چند سال بعد از طبرسی وفات کرده‌اند. شاید پانصد و پنجاه و چهار باشند. وفاتشان معلوم نیست. با مجموع قرائن پانصد و پنجاه و چهار وفاتشان است. یعنی حدود شش سال بعد از مرحوم طبرسی وفات کرده‌اند. کما اینکه خود تفسیر را همزمان با مجمع نوشته اند. حال آیا از مجمع گرفته‌اند یا نه؟ بعید است. البته ممکن هم هست چون تعبیر به وجوه قرآن میکنند. البته نمیدانم نسخه‌ها چه بوده. علی ای حال شاید هم از تبیان شیخ گرفته‌اند. شاید هم خودشان با مطالعاتی که داشته‌اند این عبارت را نوشته اند.

دومین آنها هم صاحب تفسیر منهج الصادقین ملا فتح الله کاشانی است. ایشان هم قبل از هزار وفات کرده‌اند. ایشان سه تفسیر دارند. خلاصه المنهج، منهج الصادقین و یکی هم زبدة

التفاسیری است. ایشان هم در منهج الصادقین و هم در زبدة این را آوردهاند که همه وجوه قرآن حق و صواب است. خوبی این پی جویی این شد که از دو نفر شدند چهار نفر که ذیل آیه شریفه این عبارت را آوردهاند.

شاگرد: دلالت تعبیری حق و صواب، دلالت مطابقی است یا عقلی است یا التزامی عرفی است؟

استاد: صواب یعنی مصیب به حق و درست. چون بحث ما بحث از وحدت حرف و وحدت اقراء جناب جبرئیل است –نه تعدد آن- روی این مبنا بحث ما خیلی روشن است. یعنی یک بحثی هست که فضا، فضای تشکیک است. فضا فضای شدت و ضعف است. فضاهایی از بحث هست که صفر و یکی است، سیاه و سفید است، وجود و عدمی است. در این نوع بحثها نمیشود گفت که نصف وجود را دارد. یا هست یا نیست. دیگر واسطه ندارد. فضای وحدت به این صورت است. کلامی را که ملک وحی آورده روی مبنای حرف واحد است. همان است که حق است. روی این مبنا آن را خدا فرستاده. هر کسی تصرفی کند که این کلام از معنای واقعی خودش در برود، دیگر نمیتواند گفت که درست است. چون سخن خدا صفر و یکی است. یا این سخن خدا هست یا نیست. «ملک» و «مالک» دو معنا دارد. در طول تاریخ هیچ کسی نگفته «ملک» و «مالک» یکی هستند. این دو تا این دارند «مالک» یعنی صاحب و «ملک» یعنی سلطان و پادشاه. چقدر هم علماء بحث کردهاند که کدام یک از آنها رجحان دارد. روایت کدام را ترجیح دادهاند که جلوتر عرض کردم.

خب وقتی به این صورت است، فضا صفر و یکی است. نمیشود بگوییم هم مالک صواب است و هم ملک صواب است. خب کجا صواب است؟! یک کسی یا اشتباه کرده یا تعمد کرده کلام خدا را عوض کرده. کسانی که روی مبنای حرف واحد هستند صریحاً میگویند یکی از آنها حق نیست و باطل است. وقتی اجتهاد شخصی است چطور حق است؟! همین است که میگوییم صفر و یک است.

شاگرد: ثبوتا خدا هم «ملک» و هم «مالک یوم الدین» است.

استاد: بله، ولی از باب قرآن است. در آن دعا حضرت چه فرمودند؟ یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب؛ فوری راوی گفت «یا مقلب القلوب و الابصار». حضرت چه فرمودند؟ فرمودند : بله خداوند مقلب القلوب و الابصار هست اما همانی را که من میگویم بخوان. خودت اضافه نکن. خدا هم مالک هست و هم ملک، اما وقتی ملک وحی یکی از آنها را آورده ما حق نداریم بهعنوان قرآن عوض کنیم و بگوییم «کله صواب». پس نکته بحث این است که بنابر مبنای وحدت [نزول]، تلقیای که از حرف واحد داریم این است که یکی از آنها صحیح نیست. صریحاً همه میگویند.

ببینید در مباحثه ما مطالبی مطرح شده که نکاتی از آنها هست که من تا حالا ندیده ام. اگر شما برخورد کردید خیلی خوب است. در این مباحثه ما که از زیر صفر شروع شده اینها مطرح شد:

بازبینی #2
ایجاد شده 17 آوریل 2024 13:47:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2024 13:51:56 توسط ... .